



تولدی دیگر

«در جامعه ایران بی حقوقی زنان چنان امری جا افتاده می باشد که ریشه های اسارت نه صرفا در مناسبات اقتصادی فرهنگی بلکه بر ذهنیت مردان و زنان نیز استیلا یافته است. بطوری که امروزه حتی این بندهای اسارت نیز توسط بخشی از زنان بافته می شود. زنانی که در هیبت خواهران زینب حجاب را بر جامعه تحمیل می کند و کار خانگی و خود عرضگی برای مردان را امری واجب می داند. زنان جامعه ما در طی قرون تحمیل شده اند و هر گونه تشکل و حرکت مستقل آن ها یا سرکوب و یا در بازی های سیاسی حکومتی و غیر حکومتی به انحراف برده شده است.»

این بخشی از «سخنی با خوانندگان» شماره ۱ نشریه «آوای زن» است که در مارس ۱۹۹۱ بصورت دست خط در ۱۶ صفحه و در تیراژ ۱۰۰ نسخه منتشر گردید. در بخش های دیگری از آن چنین می خوانیم:

«...اگر از جنبه های حقوقی بگذریم و در مناسبات خانوادگی نیز وارد شویم این بی حقوقی را در مورد دختران و پسران در خانه و نابرابری تربیتی را در بین فرزندان پسر و دختر نیز به عینه مشاهده خواهیم کرد.

پسران شانس بیشتری برای تحصیل دارند، وظایف خانگی بیشتر به دختران واگذار می شود و حق ارتباط فعال با جامعه به مردان و پسران تعلق دارد و زن یا دختر باید پاسخگوی رفت و آمد ها و ارتباطات خود باشند. در جامعه ما دختران باید خود را همچون کالایی بکر و آکبند حفظ کنند تا در استفاده مردان مطبوع بنظر آیند. و همین امر به مردان آزادی تجربه جنسی را می دهد و زنان را از این حق محروم می سازد. چه زنانی که در اولین تجربه های جنسی خود در خانه شوهر دچار ناراحتی های روانی می گردند.»

«...در شرایطی که بخش زیادی از زنان جامعه ما توانسته اند از چنگال خون آشام جمهوری اسلامی بگریزند و در خارج کشور از فضای نسبتا آزاد آن تنفس کنند. بهترین امکان پیش آمده است تا از شرایط موجود حداکثر استفاده شود تا در ارتقاء

ده سال با آوای زن

چهل گل تازه در گلدان امید ها

و آموزش روحیه خود در نهادی ساختن این
برابری تلاش ورزیم.»

«... و این تلاش جز با سازماندهی يك
حرکت مستقل از زنان مقدور نخواهد بود.
حرکتی که زنان را بطور واقعی به عرصه
فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی
بکشاند و بدور از تعلقات گروهی و عقیدتی
به حرکت آنان جهت دهد.»

بدین ترتیب «آوای زن» با طرح نکته
وار اساسی ترین مسایل زنان کار خود را
شروع کرد. ستم جنسی بر زنان، فرهنگ
مردسالاری، قوانین ضد زن اسلامی در
جمهوری اسلامی و نابرابری زن و مرد در
تمام عرصه های اجتماعی، اقتصادی،
سیاسی و فرهنگی از جمله مسایل مطروحه
بودند. آوای زن می خواست قوانین ضد زن
در جمهوری اسلامی را افشاء کند، مسائل
مختلف زنان را نه تنها طرح بلکه بحث روی
تک تک آن ها از دیدگاه های مختلف نظری و
راه های مبارزه با آنها و یافتن راه حل های
احتمالی نیز از اهداف آوای زن به شمار می
رفته است. در همین راستا بود که از همان
ابتدا گفتیم که نشریه آوای زن به دست اندر
کاران آن تعلق ندارد بلکه به کلیه زنان و
کسانی که در امر رهایی زنان تلاش می
ورزند تعلق دارد.

امسال «آوای زن» وارد دهمین سال
انتشار خود می شود. در سال ها آوای زن
فراز و نشیب های فراوانی در راه نشر و
توزیع از سر گذرانده است. اما به هر رو، با
وجود ضعف ها و کمبود ها در کیفیت
نشریه، تداوم کار انتشار ساده نبوده و
نیست. با همه ی این ها می توان گفت که
وجود و حفظ نشریه ی خاص مسائل زنان و
به ده سالگی رساندن آن برای جنبش
مستقل زنان در خارج از کشور کم اهمیت
نیست. زنان بسیاری با علاقه مندی، آوای
زن را تنها نگذاشته اند و آن را از آن خود
دانسته و با ما به اشکال مختلف همکاری
کرده اند. ما از یکایک آن ها سپاسگزاریم.

میناپویا

با چهلمین تولد خود به ده سالگی رسیدیم!

در این غربت که ما در آن گرفتار آمده ایم
و حتی در ایران، نادراند نشریاتی که بی
پشتوانه ی مالی و سیاسی ده سالگی تداوم
انتشار خود را تجربه کنند، تداومی که
لازمه ی کار فرهنگی و به ویژه مطبوعاتی
است. ده سالگی در زندگی آدمیان پای
گذاشتن به نوجوانی و نرسیدگی است اما
در حیات نشریات نشانه ی تداوم است و
نهادینه شدن و پختگی و برگزشتن از تردید
ماندن و رفتن، گواهی است بر این که از
کوششی محفلی و از محدوده ی دست
اندرکاران انتشار آن برگزشته است و به
یاری همکاران، خوانندگان و دوستداران
خود به نهادی ماندنی و اثر گذار ارتقا یافته
است.

در چهل شماره ایی که عرضه شده همکاران
و یاران آوای زن نشریه ایی را شکل داده
اند که دیری است هویت خود را نه فقط از
دست اندرکاران انتشار خود که از مخاطبان
خود می گیرد.

انتشار چهلمین شماره در دهمین سال را
می توان نشانه ی آن دانست که آوای زن با
همه ی کاستی ها و کمبود ها و ضعف ها به
ضرورتی اساسی پاسخی در حد توان داده
است. يك دهه را با افت و خیزها، اوج ها و
فروود ها، امید ها و ناامیدی ها، دست آوردها
و تجربه ها پشت سر گذاشته ایم. در
شادمانه گی يك دهه با هم بودن است که با
انتشار این شماره چهل گل تازه در گلدان
امید ها و چهل نهال سرو را در باغ آرزو
های زیبای زنانه مان می گذاریم تا روشنی
ده شمع روشن اندیشه به آوای دل نشین زن
ایرانی پیوند زنیم.

ده سال با هم سرودن اما چالشی دشوار
بوده است همراه با حسرت ها که به دل
می ماند و آرزو هایی که هنوز دستا
نیافتنی می نماید. حسرت آن که تلفن را
برداری و مثل نشریه های داخل کشور به
خبرنگار و نویسنده ات مطلب سفارش دهی،
از کوچه و خیابان و آدم ها عکس های گویا،
جذاب و انحصاری داشته باشی، دستگاه
کامپیوتر قدیمی را نو کنی، حسرت این که
مجبور نباشی هر بار تعداد رنگ های روی
جلد را بشماری تا مخارج چاپ را کمتر کنی
و با صرفه جویی دنبال تمبر و پاکت ارزان

بدوی و شاهد باشی که مسئول توزیع چگونه
جعبه های نشریه را روی چرخ دستی
می گذارد و در خیابان ها و ایستگاه های
قطار ها می کشاند تا اندکی از مخارج
بکاهد. حسرت آن که يك بار هم شده از
نتیجه ی کار راضی باشی و توقعات را
برآورده شده ببینی. حسرت آن که يك بار هم
شده امکانات حرفه ایی و مالی لازم را
دراختیار داشته باشی تا بتوانی آن چه را
که می خواهی و می توانی عرضه کنی.

اما نشر آوای زن بیش از هر چیز وام دار
انگشت هایی است که پس از خواباندن
بچه ها و راندن خواب و خسته گی کار
روزانه از چشم ها، مطالب را تایپ
می کنند. مدیون چشم های دقیقی است که
غلط گیری را بر خواب ترجیح می دهند تا
باری از دوش ما بردارند. انتشار تا کنون
آوای زن وام دار محبت ها و دل سوزی
های مردان و زنانی است که حتی ذکر نام
خود را روا نمی دارند، مدیون تشویق ها و
حمایت های خوانندگان نشریه در اروپا،
آمریکا، کانادا، استرالیا، ترکیه، عراق، دومی
و به ویژه ایران و عزیزانی که در این
کشورها آوای زن را توزیع می کنند، است.

نشر آوای زن و به ده سالگی رسیدن آن
مدیون یارانی است که تا نیمه های شب ما
را در حل مشکلات فنی یاری می دهند و نیز
"نشر باران" و دوستان همکار ما در چاپخانه
که وقت و بی وقت دستگاه ها را به خاطر ما
روشن نگه می دارند و ماه ها منتظر پرداخت
قبض ها می مانند!

انتشار چهلمین شماره وام دار آن
عزیزانی است که حاصل اندیشه، پژوهش،
خلاقیت و تجربه های خود را در آوای زن
چاپ می کنند.

چهلمین شماره ی آوای زن به هنگامی
انتشار می یابد که در کشورمان جنبش
آزادی خواهی، استبداد و زن ستیزی را
نشانه گرفته است. ساختار کهن را زنان و
جوانان در اندیشه و عمل نفی می کنند. آوای
زن می کوشد- تا بیشتر از گذشته - در این
جنبش آزادی خواهی با خلق فضایی برای
گفت و گو، نقد و بحث، آوایی رسا باشد.

ده سالگی؟! "ما را طاقت خود این گمان
نبود".

شعله ایرانی

